

تحلیل اثرات متغیرهای کلان اقتصادی و بانکی بر مطالبات معوق بانکی در کشورهای منتخب اسلامی

شراره شیرمحمدی^۱

Doi: 10.82383/jdep.2025.1224178

چکیده

هدف این مقاله تحلیل اثرات متغیرهای کلان اقتصادی و بانکی بر کارایی بانکی کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۲۳ بود. بدین منظور دو متغیر کلان تولید سرانه و نرخ تورم و سه متغیر بانکی شامل سرمایه بانک‌ها، نقدینگی بانک‌ها و درآمدهای غیربهره‌ای بانک‌ها در نظر گرفته شدند و با استفاده از روش حداقل مربعات پویا (DOLS) الگوی مقاله برآورد شد. نتایج حاکی از آن بود که تولید ناخالص داخلی سرانه بر مطالبات معوق بانکی تأثیر منفی و نرخ تورم بر مطالبات معوق بانکی تأثیر مثبت داشته است. سرمایه بانکی بر مطالبات معوق بانکی تأثیر منفی و درآمدهای غیربهره‌ای بانک‌ها بر مطالبات معوق بانکی تأثیر مثبت داشته است. از طرفی نقدینگی تأثیر معناداری بر مطالبات معوق بانکی نداشته است. بر این اساس لازم است سیاست‌های کلان اقتصادی بر تقویت رشد و کنترل تورم متمرکز شود تا از این طریق به کاهش مطالبات معوق بانکی کمک شود. همچنین بانک‌ها برای افزایش سرمایه و کاهش تمرکز بیش از حد بر درآمدهای غیربهره‌ای و ایجاد درآمدهای ترکیبی تلاش نمایند.

واژه‌های کلیدی: بانک، مطالبات معوق، متغیرهای کلان اقتصادی، روش حداقل مربعات پویا

طبقه‌بندی JEL: G21, E02, C58

۱- مقدمه

بانک‌ها و مؤسسات مالی در قالب نماد اصلی بازار پول، نقش مهم و اساسی در جریان سیال گردش وجوه و اعتبارات و به تبع آن، رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارند. آن چه در این میان حائز اهمیت است، آن است که به واسطه نقش اساسی این بنگاه‌های اقتصادی، عملکرد نامناسب آن‌ها می‌تواند با بروز نتایج معکوس و بی‌نظمی‌های فراوان در متغیرهای کلان اقتصادی همراه باشد. برگشت منابع اعطا شده همواره از نکات مورد توجه بانک‌ها، مؤسسات مالی و مقام‌های ناظر بر این مؤسسات است. مشکلی که در حال حاضر اکثر سیستم‌های بانکی به خصوص در کشورهای اسلامی با آن مواجه هستند و به عنوان دغدغه اصلی مدیران بانک‌ها تلقی شده و چاره‌اندیشی برای رفع آن را می‌طلبند، روند رو به افزایش مطالبات معوق در طول سال‌های اخیر است که پیامدهای نامطلوب آن از جمله کمبود نقدینگی، عدم امکان دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به وجوه و کند شدن چرخه تولید را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. وضعیت اخیر بانک‌ها حکایت از آن دارد که ابزارهایی که تاکنون برای تصمیم‌گیری‌های اعتباری مورد استفاده قرار گرفته، از کارایی لازم برخوردار نبوده و در نتیجه برای بهبود ساختار مالی بانک‌ها و تأمین هر چه بیشتر منافع سپرده‌گذاران و متقاضیان واقعی وجوه، باید راهکارهای دیگری دنبال شوند (رضائی و منصوریان، ۱۳۹۸).

به طور کلی مطالبات معوق بانکی، یکی از موضوعاتی است که در عملکرد بانک‌ها منعکس می‌شود. می‌توان این گونه بیان نمود که مطالبات معوق از دو بخش کلی ناشی می‌شود: بخش اول، ارادی و تحت اختیار فرد وام‌گیرنده و بخش دیگر تحت تأثیر عوامل خارج از حیطه اختیار وام‌گیرندگان است به طوری که از این جمله می‌توان به وضع کلان اقتصادی و مالی نظیر تورم، نرخ ارز، تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری اشاره نمود. مطالبات معوق بانکی سبب خروج موقت یا دائمی قسمتی از منابع بانک از چرخه عملیاتی می‌شود و بانک‌ها را با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌کند. بنابراین، مد نظر قرار دادن و مدیریت عواملی که بر تسهیلات و مطالبات معوق بانک‌ها تأثیرگذار هستند، امری ضروری است و می‌تواند نقش کارآمدی در راستای بالا بردن بهره‌وری بانک‌ها در تخصیص بهینه منابع ایفا کند (خیرخواه و همکاران، ۱۳۹۵).

با توجه به مباحث مطرح شده، بررسی اثرات متغیرهای کلان اقتصادی و بانکی بر مطالبات معوق بانکی به لحاظ پژوهشی حائز اهمیت است. اگر چه برخی از مطالعات داخلی به بررسی این ارتباط پرداخته‌اند اما قلمرو مکانی آن‌ها بر بانک‌های ایران متمرکز بوده است و تا کنون این ارتباط در سطح کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار نگرفته است. بر همین اساس پژوهش حاضر در تلاش است تا با استفاده از روش حداقل مربعات پویا (DOLS) به تحلیل تأثیر عوامل کلان اقتصادی و بانکی بر مطالبات معوق بانکی در ۹ کشور منتخب اسلامی شامل ایران، عراق، بنگلادش، اندونزی، کویت، مالزی، پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه طی دوره زمانی (۲۰۱۲-۲۰۲۳) بپردازد. به این منظور متغیرهای تولید ناخالص داخلی و تورم به عنوان شاخص‌های کلان اقتصادی و متغیرهای نسبت نقدینگی، سرمایه بانکی و درآمدهای غیربهره‌ای بانک‌ها به عنوان متغیرهای بانکی مؤثر در این زمینه در نظر گرفته شدند.

در راستای تأمین هدف مربوطه، مقاله حاضر از پنج بخش تشکیل شده است. پس از شرح مقدمه، در بخش دوم مبانی نظری پیرامون تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانکی و تأثیر متغیرهای بانکی بر مطالبات معوق بانکی مورد بحث قرار می‌گیرد. بخش سوم به مطالعات پیشین اختصاص یافته است. در بخش چهارم روش تحقیق مرور شده و در بخش پنجم نیز به ارائه نتیجه‌گیری و پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مطالبات معوق بانکی

مطالبات معوق به تمامی مطالبات بانکی اشاره دارد که بیش از دو ماه از سررسید آن‌ها گذشته و یا بدون توجه به زمان سررسید، سوخت شده‌اند، به طوری که دیگر امکان وصول آن‌ها وجود ندارد. از عوامل به وجود آمدن مطالبات معوق می‌توان به عوامل درون بانکی، عوامل بیرون بانکی و عوامل مالی و اقتصادی اشاره نمود. عوامل درون سازمانی که می‌توانند باعث ایجاد و رشد مطالبات معوق شوند شامل عدم وجود سیستم ارزیابی دقیق مشتریان بانک، کندی روند وصول مطالبات، عدم وجود مدیریت مؤثر بر اقلام دارایی‌ها،

ضعف کیفی فرآیند و مراحل بررسی تسهیلات اعطایی، عدم دقت لازم در خصوص وضعیت مالی و اعتباری ضامن یا ضامن‌ها، عدم وجود سیستم هدف‌گذاری تعهدات بانک و پایین بودن نرخ خسارت تأخیر نسبت به هزینه تحصیل پول در بازار غیررسمی است. از عوامل برون سازمانی که باعث ایجاد و رشد مطالبات معوق می‌شوند هم می‌توان به سیاست‌زدگی بانک‌ها و تسهیلات تکلیفی، عدم وجود سیستم اطلاعات یکپارچه، بروز حوادث غیرمترقبه، تغییر و تحولات در قوانین و مقررات، عدم وجود بسته‌های فرهنگی مناسب، تغییر و تحولات سیاسی - اقتصادی و فوت وام‌گیرنده و بروز مشکلاتی در انحصار وراثت اشاره کرد (اکرامی و رهنما، ۱۳۸۸).

متغیرهای مالی و اقتصادی همچون تورم، رکود اقتصادی و مشکلات واحدهای تولیدی در تأمین مالی به موقع نیز از دیگر عوامل مؤثر بر مطالبات معوق بانکی هستند. افزایش تورم می‌تواند باعث عدم تمایل پرداخت بدهی ناشی از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها گردیده و انتظار کاهش ارزش بدهی ناشی از تورم نیز سبب افزایش مطالبات معوق خواهد شد. عامل رکود نیز موجب عدم فروش محصولات و خدمات شده به طوری که افزایش دوره وصول طلب و نهایتاً دوره گردش عملیات را به همراه دارد و بدین ترتیب امکان بازپرداخت بدهی‌ها را با مشکل مواجه می‌کند (آقای و رضاقلی‌زاده، ۱۳۹۵).

۲-۲- تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانکی

ثبات اقتصادی و ایجاد یک فضای مطمئن در اقتصاد به عنوان یکی از شرایط اساسی در پیشرفت اقتصادی کشورها محسوب می‌شود، این در حالی است که در مقابل، نااطمینانی کلان اقتصادی با تحت تأثیر قراردادن تخصیص بهینه منابع در دوره‌های زمانی مختلف هرگونه فعالیت اقتصادی را مختل می‌کند، به طوری که با ایجاد اختلال و نوسان در تصمیمات عوامل اقتصادی، آن‌ها را مجبور می‌کند تا تصمیمات اقتصادی خود را به طور پیوسته تعدیل نمایند. تحت چنین شرایطی هیچ کدام از عوامل اقتصادی در ارتباط با آینده چشم‌انداز مطلوب و روشنی نخواهند داشت. به طور مسلم این موضوع در بخش پولی و مالی اقتصاد بیشتر نمود پیدا می‌کند زیرا نهادهای پولی و مالی به عنوان جزئی از بازار سرمایه به شدت نسبت به نااطمینانی حساسیت نشان می‌دهند. این مهم به خصوص در کشورهای در حال توسعه که بازارهای مالی توسعه‌یافته چون بورس در آنها کارایی لازم را ندارد و به رشد لازم نرسیده است و بخش بانکی بخش بزرگی از سنگینی بار تأمین مالی اقتصادی را بر دوش می‌کشد، مشهودتر است. قطع به یقین، در شرایط نااطمینانی و فضای نوسانی حاکم بر اقتصاد کلان کشور، بخش‌های پولی و بانکی نیز دچار مشکل و ناکارآمدی می‌شوند که نمونه برجسته این ناکارآمدی را می‌توان در رشد روزافزون آمار مطالبات غیرجاری در بانک‌های کشورهای در حال توسعه مشاهده نمود (رضایی و منصوریان، ۱۳۹۸).

به طور کلی سلامت کلان اقتصاد هر کشور، پیش شرط اصلی برای سلامت سبب تسهیلات نظام بانکی آن است. رکود اقتصادی، نرخ ارز بالا و بی‌ثباتی قیمت‌ها به طور مستقیم از طریق کانال کاهش درآمد وام‌گیرندگان، منجر به افزایش مطالبات معوق می‌شود. این مسئله نه تنها ثبات بانک‌ها را تهدید می‌کند، بلکه با کاهش توان وام‌دهی آن‌ها، می‌تواند دور باطلی از رکود را نیز تشدید کند. از سوی دیگر افزایش رشد اقتصادی می‌تواند از طریق افزایش درآمد و سودآوری، توانایی بازپرداخت وام را بهبود بخشیده و به کاهش مطالبات معوق بانکی کمک کند. افزایش نرخ ارز نیز از طریق افزایش بهای تمام شده واردات و بازپرداخت بدهی‌های ارزی و در نتیجه فشاری که بر بنگاه‌ها وارد می‌کند، باعث افزایش مطالبات معوق بانکی می‌شود. این در حالی است که افزایش تورم می‌تواند اثری دوگانه بر مطالبات معوق بانکی داشته باشد. تورم از یک سو با کاهش ارزش واقعی بدهی باعث کاهش مطالبات معوق بانکی شده و از سوی دیگر با کاهش قدرت خرید و افزایش فشار بر وام‌گیرندگان حقیقی، مطالبات معوق بانکی را افزایش می‌دهد. افزایش بیکاری هم می‌تواند از طریق کاهش درآمد خانوارها، به طور مستقیم توانایی بازپرداخت اقساط را تضعیف می‌کند و بدین ترتیب باعث افزایش مطالبات معوق بانکی می‌شود. یافته‌های محققان اقتصادی همچون دمیرگوچ-کونت و دترآگیاش^۱ (۱۹۹۸) و هاردی و پازارباسی اوغلو^۲ (۱۹۹۸) نیز نشان داده است که یکی از مهمترین دلایل شکست در سیستم‌های بانکی وقوع شوک‌های اقتصاد کلان است. آنان به طور خاص این تئوری را مطرح نمودند که استقرار کنندگان، به دلیل

¹ Demirgüç-Kunt and Detragiache

² Hardy and Pazarbasioglu

وقوع شوک‌های نامطلوب که به فعالیت‌های اقتصادی آنان تحمیل می‌شود، در بازپرداخت دیون خود دچار مشکل می‌شوند و در نتیجه مطالبات معوق بانکی افزایش می‌یابد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۰).

۳-۲- تأثیر متغیرهای بانکی بر مطالبات معوق بانکی

بانک‌ها و مؤسسات مالی به دلیل نقش کلیدی و اساسی که در اقتصاد هر کشور ایفا می‌کنند، همواره در کانون توجه ناظران اقتصادی بوده‌اند. ضعف مقررات هدایت‌کننده و کم تجربه بودن بانک‌ها در غربالگری و نظارت بر قرض‌گیرندگان با افزایش زیان و ام‌ها و فزونی گرفتن مطالبات معوق شده همراه است که این موضوع باعث نقصان ارزش ویژه بانک‌ها می‌شود. نتیجه چنین وضعیتی برخورداری از منابع کمتر برای اعطای وام است که به ناچار انقباض در اقتصاد ملی را به همراه دارد (کردبچه و پردل‌نوش آبادی، ۱۳۹۰).

بروز بحران در سیستم مالی می‌تواند به خروج پس‌انداز سپرده‌گذاران از بانک‌ها منجر شود، به طوری که اگر نااطمینانی به سیستم بانکی و شرایط ناپایدار از سوی پس‌اندازکنندگان احساس شود و آنها راهکارهای بهتری برای نگهداری پس‌اندازهای خود بیابند، اقدام به خروج سپرده‌های خود از بانک‌ها می‌کنند. علاوه بر این، از آنجا که بانک‌ها بخش عمده‌ای از سپرده‌های مشتریان را به صورت تسهیلات اعطا می‌کنند، در صورتی که تسهیلات به موقع بازپرداخت نشود، با کاهش ناگهانی منابع مواجه شده و در شرایط بدبینانه حتی ممکن است باعث ورشکستگی بانک‌ها نیز شود (برانکو^۱، ۲۰۱۵).

بسیاری از متغیرهای بانکی همچون ذخایر نقدی بانک‌ها، سرمایه بانکی و درآمدهای غیربهره‌ای بانک‌ها بر مطالبات معوق بانکی تأثیرگذار هستند. رابطه میان نسبت ذخایر نقدی بانک‌ها به کل دارایی‌ها و مطالبات معوق یک رابطه پیچیده و غیرمستقیم است که عمدتاً از طریق کنال‌های نقدینگی و ریسک اعتباری عمل می‌کند. به طور خلاصه می‌توان گفت افزایش بیش از حد این نسبت می‌تواند به طور غیرمستقیم منجر به افزایش مطالبات معوق شود اما یک نسبت متعادل و کافی ممکن است به کاهش مطالبات معوق کمک نماید. زمانی که نسبت ذخایر نقدی بیش از حد بالا باشد، می‌تواند با اثر منفی بر مطالبات معوق همراه باشد چرا که موجب کاهش سودآوری بانک و تضعیف نظارت اعتباری می‌شود. در حقیقت نگهداری حجم بالای نقدشوندگی، سود بانک‌ها را کاهش می‌دهد و این امکان وجود دارد که بانک‌ها برای جبران این کاهش سود، به سمت اعطای تسهیلات پریسک‌تر سوق پیدا کنند. چنین تسهیلاتی معمولاً به مشتریانی با ریسک اعتباری بالاتر داده می‌شود که احتمال معوق شدن اقساط آن‌ها بیشتر است. از طرفی فشار برای سودآوری ممکن است باعث شود تا فرآیندهای ارزیابی و نظارت بر وام‌گیرندگان با دقت کمتری انجام شود. در نتیجه احتمال اینکه وام به افرادی داده شود که توانایی بازپرداخت ندارند، افزایش یافته که در نهایت منجر به افزایش مطالبات معوق می‌شود. در حالتی که نسبت ذخایر نقدی بیش از حد پایین است، ممکن است بانک‌ها با افزایش مطالبات معوق روبرو شوند که با فروش دارایی‌های مؤثر، کاهش توانایی مدیریت وام‌های مشکل‌دار و تشدید بحران همراه است. چنانچه بانک‌ها با کمبود نقدینگی مواجه شوند، ممکن است مجبور شوند تا برای تأمین منابع، وام‌ها و دارایی‌های خود را با قیمت پایین‌تر به فروش رسانند که با زیان و تضعیف پایه سرمایه بانک‌ها همراه است. از طرفی زمانی که بانک‌ها با کمبود نقدینگی مواجه هستند، ممکن است سریع‌تر وام‌ها را معوق اعلام کنند. علاوه بر این، کمبود نقدینگی می‌تواند با ضربه زدن به اعتماد سرمایه‌گذاران، هجوم به بانک‌ها را افزایش داده که در این شرایط بانک‌ها برای بقا خود، مجبور به کاهش شدید اعطای تسهیلات جدید و مطالبه سریع وام‌های موجود می‌شوند که باعث افزایش صوری مطالبات معوق در کوتاه‌مدت می‌شود. چنانچه نسبت ذخایر نقدی بانک‌ها به کل دارایی‌ها نسبتی بهینه و کافی باشد، می‌تواند بر مطالبات معوق اثری مثبت داشته باشد زیرا در این حالت مدیریت ریسک بانک‌ها به شکل مؤثرتری انجام می‌شود و بانک‌ها می‌توانند با خیالی آسوده بر ارزیابی صحیح متقاضیان وام متمرکز شوند. به عنوان یک نتیجه کلی، بانک‌ها باید مبتنی بر اصول مدیریت نقدینگی، در بین منابع و مصارف خود در ترازنامه تعادل برقرار نمایند و با توجه به سررسید و مدیریت ریسک نقدینگی اقدام به فعالیت‌های بانکی کنند (شاهچرا و طاهری، ۱۳۹۸).

سرمایه بانکی نیز نقش مهمی در حجم مطالبات معوق بانکی دارد. از یک سو، سرمایه مطلوب بانکی، از طریق افزایش توانایی جذب زیان بانک‌ها، نظارت اعتباری دقیق و مدیریت فعال وام‌های مشکل‌دار باعث کاهش مطالبات شده و از سوی دیگر، سرمایه ضعیف بانکی به واسطه

¹ Branco

عدم تحمل ریسک، تمایل به ریسک‌پذیری بیشتر از طریق اعطای وام‌های پرریسک‌تر و فروش اموال وثیقه با قیمت پایین منجر به افزایش مطالبات معوق بانکی می‌شود. به طور کلی سرمایه بانکی می‌تواند به عنوان یک ضربه‌گیر برای بانک‌ها عمل کند. هر چه سرمایه بانکی بیشتر باشد، ضربه‌گیری به نحو مطلوب‌تری انجام شده و بانک‌ها بهتر می‌توانند شوک‌های ناشی از مطالبات معوق را تحمل نمایند و از افزایش آن جلوگیری نمایند. بر اساس نظریه مارکویتز^۱ (۱۹۵۲) افزایش در درآمدهای غیربهره‌ای به بانک‌ها کمک می‌کند که ریسک خود را به حداقل یا سود خود را به حداکثر برسانند. علاوه بر این، بر اساس استدلال کالین و سایدنبرگ^۲ (۱۹۹۷) ترکیب خدمات بانکی موجب ایجاد درآمدهای پایدار و مدیریت بهینه هزینه‌ها و در نهایت منجر به بهبود سود بانک می‌شود. همچنین سانتومرو و چانگ^۳ (۱۹۹۲) بیان داشتند که معاملات غیربهره‌ای در بانک‌های تجاری کاهش نوسانات سود را به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر، گروهی معتقدند که با وجود این که درآمدهای غیربهره‌ای به افزایش اثربخشی در مجموع کمک می‌کنند، اما خطراتی را برای بانک‌های تجاری به دنبال دارند که می‌تواند کارایی عملیاتی آن‌ها را کاهش دهد (سلطان‌آبادی و پاکدامن، ۱۴۰۳).

۳- مطالعات پیشین

از مطالعات داخلی مرتبط با موضوع مقاله حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جلیلی‌فرد (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر مطالبات معوق سیستم بانکی ایران» با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر حجم مطالبات معوق بانکی در ایران در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۲ پرداختند. نتایج نشان داد که رشد تولید ناخالص داخلی باعث کاهش حجم مطالبات معوق شده، ولی نرخ تورم، نرخ سود تسهیلات و نرخ ارز تأثیر مثبت بر مطالبات معوق داشته‌اند.

علیزاده و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر بانکداری سایه در مطالبات معوق شبکه بانکی: شواهدی از مدل‌های تغییر رژیم مارکوف»، به بررسی تأثیر نرخ ارز و بانکداری سایه در کنار ارزش افزوده بخش‌های مختلف تولید بر مطالبات معوق شبکه بانکی در دوره زمانی (۱۳۸۴-۱۳۹۷) پرداختند. نتایج حاکی از متفاوت بودن تأثیر متغیرهای پژوهش بر رژیم‌های مختلف مطالبات معوق بود، به گونه‌ای که اگر مطالبات معوق در رژیم بالای خود باشد، در رشد بانکداری سایه تأثیر منفی و در رژیم پایین تأثیر مثبت دارد. نرخ ارز در رژیم بالای مطالبات معوق تأثیر مثبت و در رژیم پایین تأثیر معناداری ندارد. از سوی دیگر، ارزش افزوده بخش‌های نفت و خدمات در هر دو رژیم باعث کاهش مطالبات معوق می‌شوند در حالی که ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی و صنعت تنها در رژیم بالا مقدار مطالبات معوق را کاهش می‌دهند.

ابراهیمی و عرفانی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر تکانه‌های نرخ ارز و تورم بر مطالبات غیرجاری» با استفاده از مدل فیلتر هودریک-پرسکات و مدل‌های واریانس ناهمسانی شرطی به منظور محاسبه نوسانات نرخ ارز و همچنین با استفاده از مدل اقتصادسنجی الگوی خودرگرسیون برداری (VAR) و داده‌های ماهانه شبکه بانکی ایران در سال‌های (۱۳۹۴-۱۳۸۶) به سنجش اثر نوسانات نرخ ارز، تورم و دیگر متغیرها بر مطالبات غیرجاری پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که نوسانات نرخ ارز، تأثیری بر مطالبات غیرجاری نداشته اما تورم تأثیر گذار است. رضایی و منصوریان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر عوامل کلان اقتصادی بر نسبت مطالبات معوق (مطالعه موردی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران)»، با استفاده از داده‌های ۸ بانک و مؤسسه اعتباری فعال در بورس اوراق بهادار تهران و با روش رگرسیون داده‌های تابلویی طی دوره زمانی ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۶ به بررسی تأثیر عوامل کلان اقتصادی بر نسبت مطالبات معوق بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها نشان داد که نرخ تورم و تولید ناخالص داخلی تأثیری منفی و معنادار بر مطالبات معوق بانک دارد. همچنین نتایج نشان داد که نرخ سود تسهیلات تأثیری مثبت و معنادار بر مطالبات معوق داشته است.

¹ Markowitz

² Klein & Saitenberg

³ Santomero & Chung

محسنی و فتحیان (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "تأثیر نوسانات متغیرهای کلان منتخب بر مطالبات غیر جاری بانکی" با استفاده از مدل نامتقارن ناهمسان واریانس شرطی (EGARCH) به منظور استخراج و مدل سازی نوسانات متغیرهای کلان و استفاده از مدل خودرگرسیون برداری (VAR) برای بررسی تأثیر این نوسانات بر مطالبات غیر جاری بانک‌ها طی دوره زمانی (۱۳۹۴-۱۳۵۷) استفاده نمودند. نتایج حاکی از آن است که در بلندمدت تقریباً ۱/۷۱ درصد از تغییرات نسبت مطالبات غیر جاری به تسهیلات پرداختی بانک‌ها توسط مقادیر گذشته خود این متغیر، ۵/۳ درصد توسط شاخص نوسانات تورمی، ۳/۱۵ درصد توسط نوسانات درآمدهای نفتی، ۸/۱ درصد توسط شاخص نوسانات تولید ناخالص داخلی غیر نفتی، تقریباً ۱/۷ درصد توسط شاخص نوسانات کسری بودجه دولت و تقریباً ۲/۱ درصد توسط نوسانات نرخ بیکاری توضیح داده می‌شود.

محراییان و سیفی‌پور (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "آسب شناسی مطالبات جاری در نظام بانکی ایران"، با استفاده از مبانی نظری معمول، مطالعات تجربی، تجربه حاصل از کشورها برای کاهش مطالبات جاری، شرایط خاص ایران و مدل اقتصادسنجی مناسب عوامل موثر بر شکل گیری مطالبات جاری و الزامات کاهش آن را در اقتصاد ایران بررسی کردند. برآورد مدل به تفکیک بانک‌ها برای سال‌های (۱۳۸۰-۱۳۹۳) نشان داد که کاهش رشد اقتصادی، افزایش نرخ تورم و نرخ ارز و همچنین رفتار پرریسک بانک‌ها، رشد اعتبارات و اندازه بانک از متغیرهای مهم در شکل گیری مطالبات جاری است.

حیدری و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک‌ها"، با استفاده از تابع واکنش آنی و تجزیه واریانس‌ها به عنوان ابزاری برای تحلیل استرس تست، مدل خودتوضیحی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) و مدل خودرگرسیون برداری (VAR) به بررسی اثر شوک‌های کلان اقتصادی بر روی مطالبات معوق بانک‌ها در دوره زمانی (۱۳۸۷-۱۳۷۹) پرداختند. طبق مدل‌های برزاش شده، تأثیر شوک متغیرهای اقتصادی که از اجرای سیاست‌های پولی و مالی نظیر تورم، رشد ناخالص داخلی بدون نفت، حجم نقدینگی و نرخ سود تسهیلات به ترتیب به وجود می‌آید بیشترین تأثیرات را بر روی مطالبات معوق سیستم بانکی نسبت به سایر متغیرهای کلان اقتصادی داشته‌اند.

از مطالعات خارجی مرتبط با موضوع مقاله حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

آناس و همکاران^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان "عوامل کلان اقتصادی و خاص بانک بر وام‌های معوق: شواهدی از یک اقتصاد نوظهور" با استفاده از داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی و خاص بانک بر مطالبات معوق در بخش بانکی فهرست شده در بورس اوراق بهادار اندونزی در دوره زمانی (۲۰۲۱-۲۰۱۷) پرداختند. یافته‌های تجربی نشان داد که نرخ بهره، قیمت جهانی نفت و هزینه‌های عملیاتی و درآمد عملیاتی تأثیر مثبتی بر مطالبات معوق بانکی دارند. در مقابل، نسبت کفایت سرمایه، حاشیه سود خالص و تورم تأثیر منفی بر مطالبات معوق بانکی دارند. این در حالی است که عامل نسبت سپرده‌های وام بر مطالبات معوق بانکی تأثیری نداشته است.

کجو و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "عوامل تعیین کننده اقتصاد کلان و خاص بانک در وام‌های معوق: شواهدی از سیستم بانکی نپال" با استفاده از رویکردهای تخمینی تابلویی ایستا و پویا به ارزیابی عوامل تعیین کننده اقتصاد کلان و خاص بانک در مطالبات معوق در سیستم بانکی نپال پرداختند. آن‌ها به این منظور ۳۰ بانک تجاری نپال را در دوره (۲۰۱۵-۲۰۰۳) مورد مطالعه قرار دادند و از ۷ متغیر خاص بانک و ۵ متغیر کلان اقتصادی برای ارزیابی تأثیر مدیریت بانکی و شاخص‌های اقتصادی بر مطالبات معوق استفاده نمودند. یافته‌ها نشان داد که مطالبات معوق رابطه مثبت معناداری با نسبت صادرات به واردات، ناکارآمدی و اندازه دارایی‌ها و رابطه منفی با نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، کفایت سرمایه و نرخ تورم دارند.

کونستانتاکیس و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان "وام‌های معوق در یک اقتصاد بحرانی: تحلیل تعادل بلندمدت با یک مدل تصحیح خطای بردار زمان واقعی برای یونان (۲۰۰۱-۲۰۱۵)" به بررسی عوامل تعیین کننده مطالبات معوق بخش بانکداری یونان پرداختند. آن‌ها به این منظور از تولید ناخالص داخلی چرخه‌ای، بدهی دولت و نرخ بیکاری به عنوان عوامل کلان اقتصادی و از سرمایه-

¹ Annas et al.

² Koju

³ Konstantakis et al.

گذاری مستقیم خارجی، اعتبارات داخلی بخش بانکداری به عنوان عوامل مالی استفاده کردند. یافته‌های این مقاله نشان داد که هر دو عامل اقتصاد کلان و مالی، بر مطالبات معوق یونان آثار معناداری دارند.

لوزیس و همکاران^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان "عوامل تعیین‌کننده اقتصاد کلان و خاص بلنک در وام‌های معوق در یونان: مطالعه تطبیقی سبدهای وام مسکن، تجاری و مصرفی" با استفاده از روش داده‌های تابلویی پویا، عوامل تعیین‌کننده مطالبات معوق در بخش بانکداری یونان را به صورت جداگانه برای هر دسته از وام‌ها، شامل وام‌های مصرفی، تجاری و رهنی بررسی کردند. فرضیه‌ای که آنان مطرح کردند، این بود که متغیرهای اقتصاد کلان و خاص بانکی بر کیفیت وام‌ها تأثیر می‌گذارند و این اثرها بین دسته‌های متفاوت وام‌ها، متنوع است. همچنین نتایج نشان داد که برای همه طبقات وام‌ها، مطالبات معوق در نظام بانکداری یونان، می‌تواند به صورت عمده‌ای توسط متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، نرخ بهره، بدهی دولت و همچنین کیفیت مدیریت، توضیح داده شود.

۴- روش تحقیق

برای دستیابی به هدف پژوهش که تحلیل تأثیر عوامل کلان اقتصادی و بانکی بر مطالبات معوق بانکی در ۹ کشور منتخب اسلامی شامل ایران، عراق، بنگلادش، اندونزی، کویت، مالزی، پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه است، الگوی زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$EF_{it} = \beta_0 + \beta_1 GDP_{it} + \beta_2 INF_{it} + \beta_3 LOA_{it} + \beta_4 CF_{it} + \beta_5 NP_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در معادله (۱)، EF_{it} متغیر وابسته است و بیانگر مطالبات معوق بانکی است که عبارت است از وام‌های بانکی که مشمول تأخیر بازپرداخت می‌شوند یا احتمال بازپرداخت آن‌ها توسط وام‌گیرنده کم است.

متغیرهای مستقل در معادله (۱) شامل موارد زیر هستند:

GDP_{it} تولید ناخالص داخلی است و عبارت از ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده در هر کشور در طول مدت زمان یکسال می‌باشد.

INF_{it} نرخ تورم است و عبارت از نرخ رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده می‌باشد.

LOA_{it} نسبت نقدینگی و عبارت از نسبت ذخایر نقدی بانک به کل دارایی‌های بانکی است.

CF_{it} سرمایه بانکی و عبارت از نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌های بانکی کشورها است.

NP_{it} درآمدهای غیربهره‌ای بانک‌هاست و از نسبت درآمدهای غیربهره‌ای به کل درآمدهای بانکی حاصل شده است.

α بیانگر عرض از مبدا است. β ضرایب برآوردی هستند. ε_{it} نشان دهنده جزء خطای الگو است. t نماد زمان است.

داده‌های مربوط به متغیرهای الگو از سایت بانکی جهانی و بخش مالی سایت بانک جهانی برای کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۲۳-۲۰۱۲ جمع‌آوری شده است.

۴-۴- نتایج برآوردها

قبل از انجام هر برآوردی لازم است از درجه مانایی متغیرها آگاه شد. در داده‌های تابلویی برای تعیین نوع آزمون مانایی ابتدا باید مشخص شود که مقاطع (کشورها) از یکدیگر استقلال دارند یا با یکدیگر وابستگی دارند. این سوال از طریق آزمون استقلال مقاطع پسران پاسخ داده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون مبنی بر استقلال مقاطع و فرضیه مخالف دال بر عدم استقلال مقاطع می‌باشد. نتایج آزمون استقلال مقاطع پسران برای الگوی پژوهش حاضر در جدول (۱) ارائه شده است.

¹ Louzis et al.

جدول (۱) - نتیجه آزمون استقلال مقاطع پسران

آماره CD	احتمال آماره	نتیجه آزمون
-۰/۹۶۲	۰/۶۳۲	استقلال مقاطع

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول (۱) آماره آزمون استقلال مقاطع از عدد ۲ کوچکتر و احتمال آن از ۰/۰۵ بزرگتر است. بدین ترتیب فرضیه صفر آزمون استقلال مقاطع پسران مبنی بر استقلال بین مقاطع را نمی‌توان رد کرد و به عبارتی مقاطع از یکدیگر مستقل هستند. در شرایطی که استقلال مقطعی وجود دارد، استفاده از آزمون‌های معمول مانایی از قبیل لین، لوین و چاو، ایم، پسران و شین، فیشر یا هادری بلامانع است. در پژوهش حاضر به منظور آزمون کردن مانایی متغیرهای پژوهش از آزمون مانایی داده‌های تابلویی به روش ایم، پسران و شین (IPS) استفاده می‌شود. در این آزمون فرضیه صفر مبتنی بر نامانای بودن متغیر و فرضیه مخالف حاکی از مانا بودن متغیر است. نتایج حاصل از آزمون مانایی متغیرها به روش IPS در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲) - نتایج آزمون مانایی IPS در سطح متغیرها

نام متغیر	نماد متغیر	آماره	احتمال	نتیجه
تولید ناخالص داخلی سرانه	GDP_{it}	۱/۶۱	۰/۹۴۶	نامانا
نرخ تورم	INF_{it}	۰/۵۹	۰/۷۲۳	نامانا
سرمایه بانکی	CF_{it}	۰/۸۹	۱/۲۳	نامانا
مطالبات معوق بانکی	EF_{it}	۱/۵۶	۰/۹۴۱	نامانا
ذخایر بانکی	LOA_{it}	۰/۹۶	۰/۸۳۲	نامانا
درآمد غیر بهره ای	NP_{it}	-۰/۴۸۴	۰/۳۱۴	نامانا

منبع: یافته‌های تحقیق

بر اساس نتایج جدول (۲۱) آماره آزمون مانایی ایم، پسران و شین برای تمامی متغیرها کوچکتر از ۲ و احتمال آن بزرگتر از ۰/۱ است و در نتیجه تمامی متغیرها در سطح نامانا هستند. با توجه به نامانای بودن متغیرها ابتدا لازم است از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها اطمینان حاصل شود و سپس می‌توان به برآورد الگو پرداخت. در این پژوهش به منظور آزمون کردن همجمعی بین متغیرها از آزمون همجمعی داده‌های تابلویی به روش کائو استفاده می‌شود. فرضیه صفر این آزمون بر عدم وجود همجمعی و فرضیه مخالف بر وجود همجمعی دلالت دارد. جدول (۳) نتایج حاصل از آزمون مذکور را برای الگوهای پژوهش نشان می‌دهد.

جدول (۳) - نتیجه آزمون همجمعی کائو

آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
-۲/۴۶	۰/۰۰۷	وجود رابطه همجمعی

منبع: یافته‌های پژوهش

مطابق با جدول (۳) مقدار آماره آزمون کائو از عدد ۲ بزرگتر و احتمال آماره از ۰/۰۵ کوچکتر است. بنابراین فرضیه عدم وجود همجمعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد شده و فرضیه مخالف مبنی بر وجود همجمعی پذیرفته می‌شود. با توجه به تایید وجود رابطه همجمعی می‌توان به یکی از روش‌های همجمعی اقدام به برآورد الگو نمود. در این پژوهش از روش حداقل مربعات پویا (DOLS) استفاده می‌شود. نتایج حاصل از برآورد الگوی (۱) به روش DOLS در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴) - نتایج برآورد الگوی (۱) به روش DOLS

نام متغیر	نماد متغیر	ضریب	آماره	احتمال
تولید ناخالص داخلی سرانه	GDP_{it}	-۰/۰۵۴	-۲/۰۱	۰/۰۴۷۷
نرخ تورم	INF_{it}	۰/۱۵	۲/۰۸	۰/۰۴۱۷
سرمایه بانکی	CF_{it}	-۰/۰۳	-۲/۱۱	۰/۰۳۶۷
نقدینگی بانک‌ها	LOA_{it}	-۰/۳۲	۰/۵۷	۰/۵۶۷
درآمد غیربهره‌ای بانک‌ها	LOA_{it}	۰/۳۱	۸/۶۸	۰/۰۰۰
$R^2 = ۰/۸۹$	$\bar{R}^2 = ۰/۸۴$			

منبع: یافته‌های پژوهش

ملاحظه می‌شود که تولید ناخالص داخلی سرانه و سرمایه بانکی تاثیر منفی بر مطالبات معوق بانکی داشته‌اند. این در حالی است که نرخ تورم و درآمدهای غیربهره‌ای اثر منفی بر مطالبات معوق بانکی داشته و نقدینگی بانک‌ها تاثیر معناداری بر مطالبات معوق بانکی نداشته‌اند.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف مقاله حاضر تحلیل اثرات متغیرهای کلان اقتصادی و ویژگی‌های بانکی بر کارایی بانکی کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۲۳-۲۰۱۲ می‌باشد. برای دستیابی به هدف مقاله از روش حداقل مربعات پویا (DOLS) استفاده شد و نتایج زیر حاصل گردید:

- تولید ناخالص داخلی سرانه بر مطالبات معوق بانکی تاثیر منفی برابر با ۰/۰۵۴- داشته است.

- نرخ تورم بر مطالبات معوق بانکی تاثیر مثبت و برابر با ۰/۱۵ داشته است.

- سرمایه بانکی بر مطالبات معوق بانکی تاثیر منفی و برابر با ۰/۳۲- داشته است.

- درآمدهای غیربهره‌ای بانک‌ها بر مطالبات معوق بانکی تاثیر مثبت و برابر با ۰/۳۱ داشته است.

با توجه به نتایج حاصل از برآورد الگوی این مقاله توصیه‌های سیاستی زیر ارائه می‌گردد:

سیاست‌های کلان اقتصادی باید بر تقویت رشد اقتصادی پایدار و افزایش تولید ناخالص داخلی سرانه متمرکز شوند. این امر می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، حمایت از کسب و کارهای کوچک و متوسط، و ارتقای بهره‌وری در بخش‌های کلیدی اقتصاد انجام شود. بانک‌های مرکزی و سیاست‌گذاران پولی نیز باید سیاست‌های ضدتورمی مانند تنظیم نرخ بهره، کنترل نقدینگی، و مدیریت عرضه پول را به کار گیرند تا نرخ تورم در سطح معقولی حفظ شود. از طرفی بانک‌ها باید از طریق جذب سرمایه جدید، حفظ سود انباشته، یا عرضه سهام، سطح سرمایه خود را تقویت کنند. همچنین، نهادهای ناظر بانکی می‌توانند الزامات سرمایه‌ای سخت‌گیرانه‌تری را اعمال کنند. بانک‌ها باید استراتژی‌های خود را برای کسب درآمدهای غیربهره‌ای (مانند کارمزدها و خدمات مالی) بازنگری کنند تا از تمرکز بیش از حد بر این درآمدها که ممکن است به کاهش کیفیت مدیریت اعتبارات منجر شود، اجتناب کنند. نظارت دقیق‌تر بر ترکیب درآمدها و تقویت فرآیندهای اعتبارسنجی توصیه می‌شود.

منابع

- ابراهیمی، سید احمد و عرفانی، علیرضا. (۱۳۹۸). تاثیر تکانه‌های نرخ ارز و تورم بر مطالبات غیرجاری، *مجله اقتصادی*، ۱۹(۱ و ۲): ۳۰-۵.
- جلیلی فرد، احسان. (۱۴۰۱). تاثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر مطالبات معوق سیستم بانکی ایران: سیزدهمین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و حسابداری، شیراز، <https://civilica.com/doc/1545838>
- حیدری، هادی؛ زواریان، زهرا و نوربخش، ایمان. (۱۳۹۰). بررسی اثر شاخص‌های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک‌ها، *پژوهش‌ها و چشم‌اندازهای اقتصادی*، ۱۱(۱): ۶۵-۴۳.

- رضایی، نادر؛ منصوریان، رضا. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر عوامل کلان اقتصادی بر نسبت مطالبات معوق (مطالعه موردی بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران)، اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۲۸: ۲۰۲-۱۸۵.
- علیزاده، شیوا؛ امیری، حسین؛ کاکایی، حمید و نوروزی عموقین، فریبا. (۱۴۰۰). تأثیر بانکداری سایه در مطالبات معوق شبکه بانکی: شواهدی از مدل‌های تغییر رژیم مارکوف، پژوهش‌های پولی-بانکی، ۱۴(۴۸): ۳۲۵-۲۹۱.
- محراییان، آزاده و یوسفی‌پور، رویا. (۱۳۹۵). آسیب شناسی مطالبات جاری در نظام بانکی ایران، اقتصاد مالی، ۱۰(۳۶): ۸۵-۷۳.
- محسنی، رضا و فتحیان، مریم. (۱۳۹۶). تأثیر نوسانات متغیرهای کلان منتخب بر مطالبات غیرجاری بانکی، مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۳: ۱۳۰-۹۵.
- کردیچه، حمید و پردنوش آبادی، لیلا. (۱۳۹۰). تبیین عوامل مؤثر در مطالبات معوق در صنعت بانکداری ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۴۹: ۱۵۰-۱۱۷.
- شاهچرا، مهشید و طاهری، ماندانا. (۱۳۹۸). تأثیر الزامات نقدینگی در سیاست‌گذاری بانک مرکزی در بازار بین‌بانکی ایران، پژوهش‌های پولی و بانکی، ۱۲(۳۹): ۴۸-۲۳.
- آقایی، مجید و رضاقلی‌زاده، مهدیه. (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر حجم مطالبات معوق و سررسید شده شعب منتخب بانک سپه، مطالعات مالی و بانکداری اسلامی، ۲(۳): ۱۱۱-۹۵.
- سلطان‌آبادی، حسین و پاکدامن، یاسر. (۱۴۰۳). بررسی درآمدهای غیربهره‌ای سیستم بانکی در ایران، مرکز تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه.

- Annas, M., Humairoh, H., & Endri, E. (2024). Macroeconomic and bank-specific factors on non-performing loan: evidence from an emerging economy. *Calitatea*, 25(199), 155-161.
- Branco, T. A. P. (2015). *Macro Determinants of nonperforming loans in Portugal* (Master's thesis, Universidade NOVA de Lisboa (Portugal)).
- Koju, L., Koju, R., & Wang, S. (2018). Macroeconomic and bank-specific determinants of non-performing loans: Evidence from Nepalese banking system. *Journal of Central Banking Theory and Practice*, 7(3), 111-138.
- Konstantakis, K. N., Michaelides, P. G., & Vouldis, A. T. (2016). Non performing loans (NPLs) in a crisis economy: Long-run equilibrium analysis with a real time VEC model for Greece (2001–2015). *Physica A: Statistical Mechanics and its applications*, 451, 149-161.
- Louzis, D. P., Vouldis, A. T., & Metaxas, V. L. (2012). Macroeconomic and bank-specific determinants of non-performing loans in Greece: A comparative study of mortgage, business and consumer loan portfolios. *Journal of banking & finance*, 36(4), 1012-1027.

Analysis of the Effects of Macroeconomic and Banking Variables on Non-Performing Loans in Selected Islamic Countries

Sharareh Shirmohammadi¹

¹ PhD in Economics, employee of the Agricultural Bank, Tehran, Iran.

Sharareh.shirmohammadi55@gmail.com

Abstract

The purpose of this article was to analyze the effects of macroeconomic and banking variables on the banking efficiency of selected Islamic countries during the period 2012–2023. To this end, two macroeconomic variables—per capita GDP and inflation rate—and three banking variables—bank capital, bank liquidity, and non-interest income—were considered. The model was estimated using the Dynamic Ordinary Least Squares (DOLS) method. The results indicated that per capita GDP had a negative effect on non-performing loans, while the inflation rate had a positive effect. Bank capital negatively affected non-performing loans, and non-interest income had a positive impact. However, liquidity showed no significant effect on non-performing loans. Accordingly, macroeconomic policies should focus on promoting growth and controlling inflation to help reduce non-performing loans. Additionally, banks should strive to increase capital, reduce excessive reliance on non-interest income, and develop diversified income streams.

Keywords: Bank, Non-performing loans, Macroeconomic variables, Dynamic Ordinary Least Squares.

JEL Classification: G21, E02, C58